

آموزش تحلیل سیاسی / عوامل ماندگاری و استمرار انقلاب به روایت رهبر انقلاب (۶)

اگر این نظام اسلامی، مردم را از دست بدهد؛ مردم بی‌توجه و دلسرد شوند، ایمانشان سست شود، به فکر زندگی شخصی خودشان بیفتند؛ هر کسی بگوید ما چند سال در خدمت انقلاب بودیم، دیگر بس است، برویم سراغ کارمان؛ تاجر برای تجارت خود، کاسب برای کسب خود، زارع برای زراعت خود، دانشجو و طلبه برای درس خود و آن یکی برای تبلیغ خود، ارزش بیشتری قائل شوند، مسائل کشور و انقلاب، البته آسیب‌پذیر است. ۷۴/۱۱/۲۰

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۷۴۹ / چهارشنبه ۱۵ اسفند ماه ۱۳۹۷

غرب از ایران چه می‌خواهد؟

ابتکار: غرب و اروپا از ایران یک چیز می‌خواهد: نداشتن قوای نظامی و استقلال مالی. این سیاستی بود که از نیمه قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم با جدیت هر چه تمام‌تر از سوی بازیگران آن عرصه سیاست و دیپلماسی یعنی روسیه و انگلیس دنبال شد. قیام مردمی در نهضت مشروطه می‌خواست خط پایانی بر این سیاست روسیه و انگلیس بگذارد. اما وقتی کار به تشکیل نیروی ژاندارمری و نظمیۀ سوئدی کشید و با استخدام مورگان شوستر می‌رفت که امور مالی و امنیتی سر و سامانی بیابد، قوای روسیه پشت درهای تهران اردو زد و انگلستان از این اقدام روس‌ها در عمل پشتیبانی کرد و بدین سان نهضت مشروطه در زمستان ۱۹۱۱ به کما رفت.

جنگ هشت ساله شاید آزمون‌نی از سوی غرب بر میزان توانمندی ایران در عصر جدید بود. در این دوران هشت ساله غرب به درستی دریافت که معیارها در ایران تغییر کرده است. اندیشمندان سیاسی و استراتژیست‌های نظامی در ناباوری شاهد بودند که هیچ چیز دیگر مانند اوایل و میانه‌های قرن بیستم نیست. آنها دیدند و دریافتند که دیگر و هرگز یک ژنرال روس یا یک آبرونساید و دنسترویل انگلیسی یا یک واسموس آلمانی دیگر و هرگز نمی‌تواند در صفحات غرب، جنوب و شمال ایران با سربازان و صاحب منصبان خود فرمانروایی کند.

علاوه بر قوای نظامی و روحیه سلحشوری، ایران داشت در امور مالی و اقتصادی نیز شعله‌ور می‌شد. و این دو همان چیزی بود که غرب در طول یک تاریخ نمی‌خواست که در ایران وجود داشته باشد. اما چرا؟! چرا غرب و حتی روسیه تا به این حد از استقلال مالی و نظامی ایران در هراس‌اند؟ چرایی‌اش را باید در موقع ژئوپولیتیکی و اهمیت سوق الجیشی این کاروانسرای تاریخ جست. حالا امروز با این پیشینه یکصد و پنجاه ساله، غرب به نقطه عزیمت بازگشته است. خواسته روشن آنان این است: توان نظامی نداشته باشید و در امور مالی و اقتصادی قابل رصد کردن از سوی ما باشید. این خلاصه و نتیجه همه بلوای غرب علیه ایران است.

ورود به فاز استیضاح ترامپ

خراسان: با گذشت دوماه از آغاز به کار کنگره صد و شانزدهم، دموکرات‌ها که توانسته‌اند اکثریت مجلس نمایندگان را کسب کنند، پروژه به چالش کشیدن و تحت فشار قرار دادن دونالد ترامپ را در کمیته‌های مختلف آغاز کرده‌اند. دموکرات‌ها حالا تیغ جراحی را روی عملکرد دوسال و اندی ماه ترامپ انداختند و با کالبدشکافی، دنبال سرخ می‌

گردند. طی دو روز گذشته ابتدا کمیته قضایی، از آغاز تحقیقات خود خبر داد و پس از آن سه کمیته دیگر بررسی جزئیات دیدار پوتین-ترامپ در هلسینکی را اولویت خود اعلام کردند. «جرولد نادر» رئیس کمیته قضایی مجلس نمایندگان، می گوید: این تحقیقات بر «مانعت از اجرای عدالت»، «فساد مالی» و «سوءاستفاده از قدرت» متمرکز خواهد بود. بر این اساس، کمیته قضایی از ۸۱ نفر از مشاوران و افرادی که با رئیس جمهوری آمریکا در زمینه‌های مختلف، چه در جریان کارزار انتخاباتی و چه در فعالیت‌های اقتصادی، همکاری کرده‌اند خواسته است مدارک لازم را تحویل دهند. این تعداد، مسئولان موسسات اقتصادی دونالد ترامپ، کارزار انتخاباتی او، کمیته مسئول روند انتقالی از ستاد انتخاباتی به کاخ سفید و شماری از مقام‌ها و مسئولان کاخ سفید را شامل می‌شود. اقدامی که باعث شده رئیس جمهور آمریکا درباره بررسی های کمیته قضایی بگوید: «این یک شوخی است آن هم یک شوخی زشت سیاسی». روز گذشته نیز، سه کمیته دیگر در مجلس نمایندگان در نامه ای به کاخ سفید و وزارت خارجه آمریکا، خواستار ارائه جزئیات ارتباطات دونالد ترامپ با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه شدند. «کمیته اطلاعات»، «کمیته امور خارجه» و «کمیته نظارت بر دولت» در بیانیه ای گفتند این نامه را خطاب به میک مولوینی، رئیس کارکنان کاخ سفید و مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا نوشته اند. آن ها در این نامه خواستار اسناد و مصاحبه هایی درباره ارتباطات ترامپ با پوتین شدند. چراکه دونالد ترامپ در جریان ملاقات ماه جولای سال گذشته خود با ولادیمیر پوتین با اظهاراتی که از دید تحلیل گران نوعی «جانبداری» از همتای روس خود به نظر می آمد، خیرساز شده بود. رئیس جمهوری آمریکا پس از این نشست در جریان یک کنفرانس خبری با سخنانی که تعجب دموکرات ها و حتی جمهوری خواهان را برانگیخت، اعلام کرده بود: «ولادیمیر پوتین در این ملاقات هرگونه دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری را رد کرد و من دلیلی نمی بینم که این موضوع را قبول نکنم». حالا فارغ از این که تصمیم سنا درباره ارجاع نتایج تحقیق کمیته های مجلس نمایندگان چه خواهد بود، دموکرات ها سعی دارند ترامپ را در گوشه رینگ محاصره کنند. این اقدام مجلس نمایندگان باعث خواهد شد که ادعاهای زیانبار علیه رئیس جمهور ادامه یابد چون دموکرات‌ها قصد دارند همه این موضوعات مورد توجه افکار عمومی باقی بماند. شاید سخنان رئیس کمیته قضایی قابل تامل باشد. «جرولد نادر»، گفته است: «هنوز زود است صحبت از استیضاح وی (ترامپ) به میان آید...» پیش از این که کسی استیضاح شود، باید افکار عمومی آمریکا را قانع کرد که این اتفاق بیفتد.

مخالفان جوان گرایی

صبح نو: اتفاق خارق‌العاده‌ای در عرصه سیاسی ایران در حال سر برآوردن است؛ جریانی مدعی اصلاح که سال‌هاست با طعنه‌زنی به رقبای خود، درصدد تصرف مصادر قدرت است و با قطار کردن گفتارهایی توسط ایدئولوگ‌های ریز و درشتش، به صراحت در حال مقابله با جوان‌گرایی است. با نگاهی به ایده‌های مطرح‌شده، بیش از پیش روشن می‌شود که طبق معمول، سیاست‌بازی عامل تحریک اصلاح‌طلبان به مخالفت با نوگرایی در ساختارها و سازمان‌هاست، چرا که آن‌ها خود در فقدان عقبه جوان و وفادار، دچار انقطاع نسلی شده و به شدت نگرانند تا سمت‌ها و مسوولیت‌ها در اختیار نسل جوانتری قرار بگیرد که در دوران جمهوری اسلامی تربیت و آبدیده شده و اکنون زمانه ثمر دانش است. این نگرانی به طور واضح در ترکیب‌بندی دولت خود را بازتاب می‌دهد که ما در حال حاضر شاهد کهنسال‌ترین دولت (در سطح وزرا، معاونان وزیر و...) در چهل ساله اخیر هستیم. در حوزه حزبی نیز وضع به همین منوال است و رگه‌هایی از تحول و جوان‌گرایی درون جریان اصلاح‌طلب با شدیدترین هجوم‌ها سرکوب شد، مانند آنچه در مورد حزب ندا رخ داد. طبیعی

است که این جریان با این وضع و حال باید مخالف اصل جوان‌گرایی انقلاب در چهل سالگی‌اش باشد و در نظر و عمل در برابر آن مقاومت کند و حتی با طرح اقداماتی انحرافی نظیر دادن سهم بیشتر به زنان یا اقلیت‌ها، سعی کند مسیر جوان‌گرایی را به راه دیگری بیندازد؛ اما سیاست جمهوری اسلامی، جوان‌گرایی است و این پیشران مهم پیشرفت، به سرعت جایگاه خود را به دست خواهد آورد.

دوگانه‌های کاذب

وطن امروز: اخیراً کمیته ملی حزب دموکرات آمریکا که نهاد مرکزی این حزب است با تصویب قطعنامه‌ای خواستار بازگشت دولت آمریکا به برجام شد. برخی گروه‌ها مانند لابی نایاک در آمریکا مدعی شده‌اند تصویب این قطعنامه از سوی کمیته ملی دموکرات آمریکا نشان‌دهنده رویکرد این حزب درباره برجام است؛ به این معنی که در صورت پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری آتی آمریکا، بازگشت به برجام به شکل جدی در دستور کار دولت این کشور قرار می‌گیرد.

همزمان با تصویب قطعنامه «بازگشت به برجام» توسط کمیته ملی حزب دموکرات آمریکا، نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان ایالات متحده خروج دولت ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران را اشتباه خوانده و در عین حال اعلام کرده است ترامپ نباید «بدون همراهی کشورهای اروپایی» از این توافق جمعی خارج می‌شود! به عبارت بهتر، نانسی پلوسی به عنوان یکی از چهره‌های شاخص و تصمیم‌گیر در حزب دموکرات، فی‌نفسه با کلیت خروج واشنگتن از برجام مخالفتی نکرده است، بلکه «یکجانبه‌گرایی» دولت ترامپ در نظام بین‌الملل را مورد هجمه قرار داده است. بر این اساس اگر «خروج از برجام» محصول چندجانبه‌گرایی ایالات متحده و شرکای اروپایی آن بود، دموکرات‌ها نیز مشکلی با آن نداشتند.

آنچه در این میان بیش از پیش قابل تامل به نظر می‌رسد، استقبال رسانه‌های اصلاح‌طلب از قطعنامه اخیر کمیته ملی حزب دموکرات است. به عبارت بهتر، رسانه‌های وابسته به جریان کارگزاران و اصلاح‌طلبان بار دیگر در حال تبلیغ و ترویج دوگانه «دموکرات - جمهوری خواه» در بازی تبلیغاتی خود هستند. این دوگانه‌سازی در حالی انجام می‌شود که در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما، سخت‌ترین تحریم‌های چندجانبه و یکجانبه علیه کشورمان اعمال شد. متعاقب امضای توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ در سال ۹۴، دولت اوباما پروسه نقض و ابرسازای برجام را به صورت جدی آغاز و از خلأهای حقوقی داخل متن توافق هسته‌ای نیز در این مسیر به صورت جامع استفاده کرد! بدون شک ملت ایران به یاد دارد که دولت اوباما در نخستین گام، طرح ایجاد محدودیت در صدور ویزای کسانی را که به ایران سفر می‌کنند امضا کرد. در گام بعد نیز وزارت خزانه‌داری دولت اوباما مانع عادی‌سازی روابط بانکی و اعتباری شرکت‌های اروپایی با ایران شد. دموکرات‌هایی که امروز به نقطه امید جریان‌های اصلاح‌طلب و کارگزار در ایران تبدیل شده‌اند، در دوران اوباما با لابی‌گری و اجماع‌سازی در بین تروئیکای اروپا، مانع به نتیجه رسیدن شکایت‌های ایران در کمیته مشترک برجام شدند. متأسفانه خلق دوگانه «دموکرات - جمهوری خواه» در سیاست خارجی کشورمان، بویژه طی ۵ سال اخیر انرژی زیادی را از وزارت امور خارجه و دستگاه دیپلماسی تلف کرده و خسارات محاسباتی زیادی را نیز به ما تحمیل کرده است. با این حال استقبال رسانه‌های اصلاح‌طلب و کارگزار از قطعنامه اخیر حزب دموکرات نشان می‌دهد این دوگانه‌سازی همچنان در دستور کار این جریان‌ها قرار دارد. تاکنون بارها تأکید شده است گره زدن سرنوشت برجام و متعاقباً سرنوشت اقتصادی کشور به فراز و فرودهای سیاسی در آمریکا نه تنها خطایی تاکتیکی، بلکه خطایی راهبردی محسوب می‌شود.

روند تحولات ثابت کرد اروپا قابل اعتماد نیست

کیهان: یک روزنامه اصلاح طلب با استقبال از هشدار تازه منتشر شده رهبرانقلاب خطاب به دولتمردان که ۸ ماه قبل عنوان شده، نوشت: اروپا ایران را قانع نمی‌کند. آرمان به قلم حسن هانی‌زاده نوشت: اظهارات رهبر انقلاب در جریان دیدار رئیس‌جمهور و اعضای کابینه با ایشان پیرامون رابطه با غرب نشان می‌دهد که اروپایی‌ها پس از توافقنامه برجام یک سلسله پیش شرطها و موانعی را قرار دادند تا از زیر بار تعهدات خودشان خارج شوند. رهبرمعظم انقلاب اسلامی به خوبی مواضع دوگانه اتحادیه اروپا نسبت به ایران را شرح دادند و این نشان می‌دهد که مقام رهبری با توجه به تجربه و مسئولیت‌هایی که به عهده داشتند و دارند، به خوبی دریافته‌اند که اتحادیه اروپا دنبال بهانه‌گیری است و مشروط کردن شرایط اقتصادی کشور به نرمش اتحادیه اروپا و همکاری این اتحادیه، ایران را از اهداف و ظرفیت‌های داخلی خودش دور می‌کند به همین دلیل تاکید ایشان بر این است که باید از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی بالا برای بهبود وضعیت اقتصادی استفاده کرد و نباید برجام و شرایط اقتصادی را به اروپایی‌ها گره زد.

به نظر می‌رسد دولت در سال آینده نسبت به اقتصاد درون‌زا و اقتصاد بومی و ظرفیت‌های داخلی توجه بیشتری نشان خواهد داد. با توجه به اینکه دولت آقای روحانی در طول سه سال گذشته، یعنی بعد از توافقنامه برجام، تمام تعهدات خودش را عملیاتی و مسیر اعتمادسازی را طی کرد اما متأسفانه آمریکا و اتحادیه اروپا ثابت کردند که طرف‌های قابل اعتمادی نیستند و به همین دلیل در جریان گفت‌وگوهای ایران با اتحادیه اروپا، یکسری شرط‌هایی را قرار دادند که قابل اجرا شدن نیست. لذا الان اتحادیه اروپا درصدد بهانه‌گیری است تا مانند آمریکا از توافقنامه خارج شود و یا حداقل از اجرای تعهدات خود شانه خالی کند. به همین دلیل به نظر می‌رسد که برجام اکنون به یک توافقنامه غیرقابل عملیاتی که جایگاه خودش را از دست داده، تبدیل شده و دولت آقای روحانی باید در این خصوص اولاً یکسری ضرب‌الاجل‌هایی را برای اتحادیه اروپا به منظور اجرایی کردن تعهداتش تعیین کند و در غیر این صورت درصدد یارگیری جدیدی در شرق و بخشی از کشورهای منطقه باشد. اکنون جامعه جهانی هم به این نتیجه رسیده که اتحادیه اروپا همانند آمریکا قصد ندارد که با ایران تعاملی محترمانه و براساس منافع مشترک داشته باشد و لذا این احتمال هم وجود دارد که اتحادیه اروپا صریحاً اعلام کند که نمی‌خواهد برجام را عملیاتی کند. البته رهبر انقلاب راه را نبسته‌اند و دست دولت را برای تعامل با جهان خارج باز گذاشته‌اند. به هر حال اتحادیه اروپا ثابت کرد طرف با انصافی نیست که بخواهد بدون قرار دادن شرایطی و گره زدن برجام به یک شرایط منطقه‌ای و جهانی تعهدات خودش را عملیاتی کند.

